



نشریه‌ی بسیج دانشجویی
دانشگاه فرهنگیان بوشهر
پردیس شهیده بنت الهدی صدر

سال سوم - شماره‌ی دوازدهم - نیمه‌ی دوم شهریور ۹۹
قیمت: اللهم عجل لوليک الفرج

اجتماعی



امام خامنه‌ای:
معلم باید نشان خودش را بالا بگذارد؛
آینده متأثر از همت و حکمت
معلمان است.

سیاسی

فرهنگی

آنچه در این شماره خواهید خواند:

گفتگوی ویژه
دکترمولایی

صفحه‌ی

۳

ما هنوز
اندر خم یک کوچه ایم

صفحه‌ی

۲

آخ جون مسابقه

صفحه‌ی

۴

بسم رب العباس

صفحه‌ی

۴



شیدا قاید حسینی

زبان انگلیسی ۹۷



زہرا قدرت جہرمی

علوم اجتماعی ۹۷



سید علی حسینی

[illegible]

فوجس آذر

علوم تربیتی ۹۷



ریا خواری مدرن

۱۷ خرداد سال ۱۳۵۸ بود که شورای انقلاب، نظام بانکداری کشور را ملی کرد و ۱۰ شهریور ۱۳۶۲ بود که تصمیم گرفته شد از حالت بانکداری متعارف خارج بشیم و شدمیم بانکداری اسلامی؛ اما به ظاهر... قرار بود بعد از ۵ سال بر اصلاحات انجام شده بازنگری انجام بشه که شد؛ اما ۳۶ سال بعد که باز هم در صحن علنی مجلس اوره به جای بی‌سار

بانکداری ما فقط پوسته اسلامی داره؛ اما در باطن، بانک ها از قواعد پیروی نمی کنند و نام بهره رو به کارمزد تغییر دادند. کدوم عقل سلیمی می پذیره این همه مبلغ و هزینه که به بانک ها پرداخت میشه، فقط بخاطر هزینه کارمزد و حق زحمت بانک باشه؟! واهی که شخص ممکنه بر ا مصارف معین دیگه ای از جمله خرید خونه، خودرو یا حتی درمان بیماری بگیره، باید سودی چیزی رو به بانک ببندازه؟

ما به پولی که هنوز وارد چرخه اقتصاد شده چطور روش سود میاد؟! آیا این نیست که ما شاهد رباخواری مدرن در بانکداری اسلامی مون هستیم؟ بانکداری اسلامی قرار بود بشه یک واسطه گر، یک کیل بین مصرف کننده و تولید کننده و این میان حقوق الزحمه خودش رو دریافت کنه؛ اما الان چطور؟ آیا دی تفاهن که تولید کننده و ما مردم هستیم از این شرایط سودی می بریم؟ یا اینکه گرفتن وام با سود ۴۰ درصد شده عرف براهونی می پذیریمش. ره به امید روزهایی که بانک ها بوسیله از پنگاه داری برادران و سه هدف اصلی نوع که، عدالت، ثبات و رشد اقتصادی هست رو پی می گیرند.

سیدہ معصومہ میر جہانمردی

علوم تربیتی ۹۵



سَمْعًا

مدت ها کار هیئتی، کار بی در و پیکر و بی نظم بود؛ اما حالا شده است نمونه یک کار سازماندهی شده؛ اما بزرگوارانی که در تمام آن مدت ها سعی در بی در و پیکر قلمداد کردن هیئت ها داشتند، با شیوه جدیدی، شعور برخاسته از شور حسینی را تحت الشعاع قرار دادند. دروز قیل از برگزاری مراسمات آن هم در شرایطی که هیئت ها تدارکات و تمهیدات لازم را تا آن موقع چیده اند، اعلام خطر از جانب ستاد ملی مبارزه با کرونا عجیب بود، با زبان بی زبانی اعلام شد ویروس فقط در مراسمات عزای سید الشهداست! به طور جالبی در همان روزها اعلام تعطیل کار سینماها شد. یعنی تا آن موقع سینما، یک فضای بسته ی عمومی به سادگی مشغول به کار بوده! جالب تر آن که بعد از دهه اول ماه محرم، سینماها به روال عادی کار خود بازگشتند.

گمان نمی بریم نیاز به اثبات باشد. بارها دیده ایم همین بچه هیئت‌ها در موقعیت‌های سیل و زلزله و... چقدر پای کار بوده‌اند.

با فرمان رهبری امر مواسات در سراسر کشور با تلاش همین بچه هیئتی ها که به گفته برخی منبع اجتماع ویروس کرونا هستند، انجام گرفته است.

ولی گویاروشنگری روضه حسین (علیه السلام) تن بزیدیان را به لرزه انداخته است.

ما هنوز اکثر خم یک کوچه ایم

هفت شهر سند ۲۰۲۰ را غربی ها گشتند و ردپایشان عین ردپای گریه روی بتن خیس در تنب درسی ما ماند و آن وقت ما اندر خم یک کوچه ماندیم ایم تا یک روزی برویم دنبال عملیاتی کردن سند تنب بنیادین! نظام آموزشی غرب اسامی علم برکت الله در کتب درسی نهانند و با جایگزینی کلدان شاید برای تحریف روح به جای قرآن آموز با ذکر دلیل نامناسب بودن مکان قرارگیری قرآن کریم به منضمه ظهور رسید، آن هم وقتی هنوز جوهر سخن نگاشته های حضرت آقا با مضمون اجرای سند ۲۰۲۰ توسط برخی افراد ناباب روی وب سایت Khamenei.ir خشک نشده بود.

جناب آقای رئیس جمهور

جناب آقای وزیر آموزش و پرورش

جنابان اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی

کاش وقتی حضرت آقا عنوان می کنند که «مهدوکدها متأسفانه رها است» کمی به تریب قیاب مبارکتان بر بخورد و به میدان یابید! کاش من اگر پدر و یا مادر هستم، دغدغه ام تغذیه ی فکری فرزندم هم باشد، نه فقط لقمه ی صبحانه گذاشتن توی کیف مدرسه اش! و به فقدان الگوی ایرانی، اسلامی، انقلابی، گوشه چشبی عنایت روا دارم و اول یک سوزن به خوردم بزنم بعد یک جوالدوز به مردم! می دانم شاید به مذاق عده ای خوش و گوارا نیاید ولی کمی نیمه ی پر لیوان نظام آموزشی غربی را را بنمیسیم بدیندی شود!

به تازگی دقت شبانه روزی آن‌ها و ممانعت سفت و سخت از ورود تغذیه‌های فکری ایرانی و اسلامی به مدارس و دانشگاه‌هایشان هم نگاهی بیندازیم و هر کس از راه رسید و دفتر دستکی داشت دایه‌ی مهربان ترا از مادر نشود برایمان، ماهی که مهمان نوا^{۱۱}، بگوئیم بی‌تا، جلوی در بده!



هائیه هیویداپور
علوم تربیتی ۹۸



گفتگوی ویژه ۵۵ کرم‌رولایی

پشت‌ماشتی

ای که دلها همه از داغ غمت غمگین است
وی که از خون تو صحرای بلا رنگین است

اواخر ماه محرم سال ۱۳۹۸ بود که دوستم بعد از مدت ها به من پیام داده بود و درخواست کرده بود که یکدیگر را ببینیم. من هم خوشحال شدم و قبول کردم؛ اما ته دلم داشتم دو دوتا چهارتا می کردم که چیزی که در دلم است را بگویم یا نگویم؟ که دل را زدم به دریا و گفتم: دوست جان من، ساعت هشت باید به هیئت برم اگر میشه ساعت دیدارمون از ۵ باشه تا ۷ یا نهایتاً ۷ و نیم بعد از ظهر قبول کرد. راستش دلم نمی آمد روز آخری را از دست بدهم دلم می خواست از تک تک لحظه های باقیمانده استفاده کنم. قرارمان شد ساعت ۵ بعد از ظهر پارک تی‌وی. همین طور که داشتیم قدم میزدیم چشمم خورد به یک قسمتی از خیابان که داشتند شربت صلواتی می دادند و یک نوحه حسین حسین هم در حال پخش بود. از دوستم خواستم که بریم و از آخرین صلواتی جا بنویسیم. شاید باورتون نشه؛ ولی من بعد از چهار، پنج سال قسمت شده بود که شربت صلواتی بنوشم با هر جرعه که می نوشیدم این بیت شعر را با خودم زمزمه می کردم:

تُرد یاد لب تشنه ات از خاطره ها
هر که را می نگرم از غم تو غمگین است
آن روز آخر حال عجیبی داشتم، خیلی عجیب... احساس می کردم ممکن است سال دیگر محرم قسمتم نشود. نگران و دل آشوب بودم ترس از دست دادنش را داشتم و آخرش می زدم پشت خودم که «بس کن بابا! سال دیگه هم هست، هیئت میری، سینه زنی میری، نگران نباش، چقدر امروز بدبین شدی دختر» اما گویا باید نگران می بودم گویی قلبم آگاه بود و من بی خبر بودم.

چه کسی می دانست که روزی میرسد که همه ما از رفتن به هیئت بترسیم؟ ترس! مگر رفتن به هیئت ترس دارد؟ بله ترس دارد. ترس جانت را داری که نکند در این هیاهو اتفاقی بیفتد و سبب شود که دیگر رنگ محرم را نبینی. آقا جان همه ما هر روز ندا سر می دهیم که: «سردر این خانه ها با ما و پرچم با خودت دسته سینه زنی با ما ولی دم باخودت روزی اشک تمام نوکران هم با خودت واقعاً دلاویسیم آقا محرم با خودت»

عرض سلام دارم خدمت تمامی دانشجویان و معلمان عزیز پردیس های علامه طباطبائی و بنت الهدی صدر بوشهر و در آغاز کلام بسیار مشتاق دیدار تمامی عزیزان هستم. در ایجاد تنگنای تمام اعضا و کارکنان، مدیریت و پرسنل دانشگاه فرهنگیان را اعلام می کنم اذعان می کنم که دانشگاه بدون حضور فیزیکی دانشجویان، رنگ و بویی ندارد و آرزوی منم که هر چه زودتر مسئله کووید ۱۹ و کرونا به طور کامل ریشه کن شود و ان شاء الله همه عزیزان دانشجویان و خانواده ها ایشان در سلامت کامل باشند و بتوانیم بدون دغدغه و بروس بحث حضور فیزیکی و مباحث دانشگاهی خود و تربیت معلم را به انجام برسانیم. ما به خاطر یحزان کرونا و تدابیری که ستاد مقابله با کرونا اندیشید، در ترم قبل کلاسها را تعطیل کردیم و آموزش مجازی داشتیم و این رویه در ترم جاری نیز طبق برنامه ریزی سازمان مرکزی دانشگاه، برقرار است. آموزش مجازی هیچگاه جایگزین آموزش حضوری نخواهد شد؛ اما نمیتوان آموزش را رها کرد و بالاجبار، آموزش را بصورت غیر حضوری ادامه میدهیم. نحوه آموزش در فضای مجازی به این صورت است که کلاسها طبق تدابیر اندیشیده شده توسط دانشگاه فرهنگیان کشور در سامانه Ims برگزار می شوند؛ البته در شورای آموزش مصوب شده که اگر سامانه Ims ظرفیت سرویس دهی با کیفیت به حدود شصت هزار دانشجویان را نداشته باشد و یا دانشجویان امکان دسترسی به این سامانه را نداشته باشند، آماده راه اندازی سامانه بومی دانشگاه هستیم. کلاس ها از شبیه تا چهارشنبه برگزار می شوند و اگر در ساعات پر ترافیک اینترنت، امکان دسترسی دانشجویان به کلاس ها وجود نداشته باشد، میتوان با اطلاع قبلی، ساعات کلاسی را تغییر داد. در ترم جدید، تمام تلاش خود را می کنیم که از آموزش عقب نمانیم و آموزشی به مراتب بهتر از ترم قبل داشته باشیم. مراسم گشایش دانشگاه روز شنبه ۲۹ شهریور با حضور مسئولین و میهمانان و همچنین پنج دانشجویان دختر و پنج دانشجویان پسر برگزار می شود. این مراسم به صورت زنده از شبکه اینترنتی شتاب نیز پخش خواهد شد. امیدواریم که هر چه زودتر امکان برگزاری کلاس های حضوری فراهم شود و ما بتوانیم رسالت تربیت معلمی خود را بهتر از گذشته، انجام دهیم و معلمانی با مهارت، دانش و نگرش کافی را وارد عرصه تعلیم و تربیت کنیم.

اکبر مولایی رئیس دانشگاه فرهنگیان استان بوشهر

موسم غربیسی

علوم تربیتی ۹۷



کتابخوانی

کتاب دعوا بر سر اولویت است با تالیف حجت الاسلام سید علی اصغر علوی و نشر انتشارات بسپنج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) به چاپ رسیده است. موضوع این کتاب، تأکید بر واقعه عاشورا و جلوه هایی از کربلا است. نویسنده ی این کتاب، سید علی اصغر علوی، شاعر، نویسنده عاشورایی، خطیب، مدرس حوزه، طنز پرداز، محقق و عاشورا پژوه می باشد که کتاب های متعددی را به رشته تحریر در آورده است؛ از جمله: راز عطش ساقی، تو این کتاب را بخری کافیت، آبروی علم، روضه اصحاب چیست؟ و... کتاب دعوا بر سر اولویت است اشاراتی عمیق و جذاب از کربلا برای مدیریت بهتر زندگی در زمان جاری دارد. این کتاب مانند دیگر آثار آقای علوی، نگاه تازه ای به کربلا و حادثه ی عاشورا دارد. این بار، کوتاه نوشت های ایشان، درباره ی مهم ترین مسئله ی زندگی است. اولویت ها... از نظر آقای علوی، مهم ترین اولویت زندگی را باید در کربلا و در میان لشکر امام حسین (ع) جستجو کرد. اولویت یاران امام حسین (ع) چه بود؟ اولویت دشمنان امام حسین (ع) چه بود؟ حالا که اولویت خود را شناختید، با این اولویت باید چه کنید؟ و بسیاری نکات دیگر. نکته ی مهم بعد از خواندن آثار آقای علوی، این است که شما را به فکر فرو می برد: تا تکانی اساسی به زندگی خود بدهید و اگر در راه نادرستی هستید، هر چه سریع تر خود را به راه راست برگردانید و از سبیل عظیم جمعیت دور نمانید.

بررسی از متن کتاب را در زیر می آوریم:

چه کسی از محبت امام حسین (ع) بی بهره است؟ کدام دل است که با نام حسین نلرزد و با دیدن پرچمش به سمت آن تمایل پیدا نکند؟ هیچکس... چه کسی کار برای امام حسین را بد می داند؟ هیچکس... اما چرا خیلی وقت ها این جبهه نیرو ندارد؟ دعوا بر سر اولویت است. البته مشکل از «کار کردن برای امام حسین (ع)» فراتر است. اینجا مساله اصلی و کلیدی، نفس کار است و این که چرا کارها یا انجام نمی شود و یا اگر انجام شود استمرار ندارد؟ و در این میان کربلا بهترین مکان برای جواب گرفتن است؛ چرا که در کار برای امام حسین (ع) کسی شک و شبهه ندارد؛ اما در اینجا هم...!

آری امروز دعوا بر سر اولویت است.

حج چیست؟ و کربلا کجاست؟ با خواندن این کتاب متوجه می شویم که برگرد کدامیک طواف می کنیم؟ حسین یا خانه ی خدا و یا حاجتی کاخ سبزه معاویه.



بنده‌ی خدا



بار کمر شکن

جهادشمامهم‌ترین‌است. سنگرشماحساب‌ترین‌است. نتیجه‌کار شما پایدارترین‌و ماندگارترین‌است. قدر این‌کار را بدانید. به آن اهمیت بدهید. خودتان را برای او آماده کنید. از اودست‌نکشید. معلمی را کوچک‌نشمارید. معلمی از شریف‌ترین شغل‌هاست. یک وقتی امام (ره) فرمودند که اولین معلم حضرت پاری تعالی است، بعد پیغمبران اند، بعد اولیاء اند، بعد بزرگ‌ترین انسان‌ها معلمان بشریت اند. و شما جنبه روان این کاروان هستید. کاروانی با این شرف، با این مقام، خودتان را در خدمت اهداف الهی بدانید، ریشمی معلمی را پست‌ننگارید. (۱۳۶۳/۱۵)

سنگر ما حساب‌ترین‌است! آیا لایق پشت این سنگر نشستن هستیم؟ اگر نیستیم سعی کنیم بشویم. بی‌شک سخت‌تواری باید این جبهه گذاشتن نیست. چرا که نتیجه‌ی کار ما پایدارترین‌و ماندگارترین‌است. تا رشد نکنیم نمی‌توانیم از پس رسالت‌دادن‌پر بیاییم. برای رشد کردن گاهی می‌توان در مکتب‌اهل بیت نشست. گاهی می‌توان به آواز نوح انگیزی که از خط‌مقابل می‌رسد. گوش سپرد. بی‌جهت نیست که امام می‌گویند: «ما فخراله‌روان این کاروان مقدسیم». حواسمان باشد پای درس چه کسی می‌نشیم. چون ما فقط مسئول درس پس دادن‌های خودمان نیستیم. این‌آبادی است که هربری می‌گویند: «من امیدوارم ستم‌کنی آن رانشناسی کنید».

نشریه‌ی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی طنین

نشریه‌ی بسیج دانشجویی

پردیس شهیده بنت الهدی صدر

بوشهر

سال سوم- شماره‌ی دوازدهم- نیمه‌ی دوم شهریور ۹۹

مدیرمسئول: فاطمه دولابی

سر دبیر: نازیلا رستمی

دبیرسرویس فرهنگی: زرافشان مراتب

طراحی و صفحه‌آرایی: زهرا یوسفی

با مادر ارتباط باشید:

tanin.journal

tanin_jr

tanin_jr

tanin_jr

فاطمه احمدی

علوم تربیتی ۹۵



معلمی

این قسمت: از بازی تا یادگیری در زیر معرفی بازی رو براتون خواهیم داشت:

۱- آگه اشتباهه، نگیر...

یک توپ را در دست گرفته و جمله‌ای را می‌گوییم. به محض اینکه جمله می‌خواهد به پایان برسد، توپ را به سمت یکی از افراد مقابل پرتاب می‌کنیم. البته نه به قصد کشتن! از افراد درست‌است، دانش آموز باید توپ را بگیرد و اگر جمله غلط است، نباید آن را بگیرد.

این بازی در قدرت تمرکز دانش آموزان، تأثیر خوبی داشته و به هماهنگی میان شنیدن، دیدن و تصمیم گرفتن آنها کمک می‌کند.

این بازی را می‌توان برای موضوعاتی مثل بخش درست و نادرست کتاب‌های فارسی و یا برای پرستش دروس علوم و هدیه و... استفاده کرد. خوب است به جای اینکه همیشه یا پرستش‌های شاهای و روندی تکراری، دانش آموزان را خسته کنیم، با روش‌هایی جذاب و هیجانی، از میزان یادگیری دانش آموزان مطلع شویم.

۲- توپ و بطری

تعدادی بطری را کنار هم می‌چینیم. (می‌توان برای جذاب‌تر شدن بازی، بطری‌ها را با آب یا خاک پر کرد). با فاصله‌ای که در توانایی دانش آموز باشد - که با توجه به سن، متفاوت است - ایستاده و توپ را به سمت بطری‌ها می‌اندازند.

جهت تلقین این بازی با آموزش، می‌توانیم اعدادی را روی بطری‌ها بنویسیم و یا به صورت پرچسب، روی بطری‌ها پچسب‌های سبب از دانش آموزان، یک شرب را بهر سبب و بخوابیم که توپ را به بطری حاصل شرب، پرتاب کنند. مثلاً می‌گوییم: ۲×۲ دانش آموز باید توپ را به سمت بطری‌ای پرتاب کند که عدد ۱۲ روی آن وجود دارد و یا با دیگر مباحث درسی مثلاً برای مباحث بخش پذیری اعداد یا مضرب‌ها و...

در ضمن، تسویتی مناسب را باید انتخاب کنیم و مراقب باشیم که توپ، با اشیای شکستنی، برخورد نکند. می‌توان در حیاط مدرسه و فضای باز، این بازی را انجام داد.

عزیزی فرمود:

"معلمان، افسران سپاه پیشرفت کشورند."

پس بگوئیم افسرانی خلاق باشیم و در جهت اهداف مکتب آن عزیز، سپاه‌مان را همچون سپاه پاسداران، با اقتدار و برنامه‌ریزی، جلو برده و حفظ کنیم.

فاطمه نعمتی

علوم تربیتی ۹۵



پسر روپ‌الکلیسی

می‌نویسم برای سقای ناامید از آب که امید هیچ کس رو ناامید نمی‌کند: کلیشه‌ای‌ترین جمله‌ای که هیچ وقت تکراری نمی‌شود... عباس جانم: عشق‌ترین علمدار دنیا، وفادارترین برادر دنیا، بهترین عموی دنیا، ای غیرتمندترین مرد به اهل بیت، ای مطیع‌ترین فرد به ولایت، سخته می‌شود بنویسم: وقتی عالی‌ترین صفت‌ها از آن توست... از چه چیز بنویسم؟! اما امسال ما تاسوعا را خیلی درک می‌کنیم و می‌فهمیم علمدار نداشتن یعنی چه... می‌فهمیم مطیع ولایت نداشتن یعنی چه، تازه می‌دانیم نگاه غضبناک به دشمن نداشتن یعنی چه، می‌دانیم نااهل جرأت نگاه نداشتن به ما یعنی چه، بمیرم برای شما که چشم‌هایتان را از دست دادید تا نپینند گوش‌های خوین رقیه و گریه‌های رباب و معجز آتش گرفته را.

عموی رقیه بانو شنیدم می‌گویند: زن‌های عرب دلشان که می‌گیرد، غصه که می‌افتد به جانشان، راه کج می‌کنند، سوی حرم تو آقا! می‌نشینند یک گوشه، چادرشان را روی صورت‌هایشان می‌کشند می‌گویند یا عباس ادرکنی، ادرکنی بحق اخیک الحسین. اصلاً حرمت معروف است به عقدگشایی و باز کردن سفره‌ی دل. چقدر دلم کنج حرمت را می‌خواهد، آنجا که بنشینم عقدی دل‌وا کنم، چادر به صورت بکشم و بگم معجز از سر نیند. برادر حسین جان! یک چیز دیگر هم شنیدم، می‌گویند شیعیان مدینه‌گراشان که گیر می‌کند: روزگار که سخت می‌گیرد، یک راست می‌روند پشت دیوارهای بقیع، ستون دوم روپروی حرم نبوی ادریس مزار مادر تان است. می‌روند و مادر تان را قسم می‌دهند به شما، به شما که مشکل‌گشای دل‌هایی، مشکل‌دل ما را هم حل می‌کنی؟! سخت محتاجیم و گره‌ای بزرگ افتاده توی زندگی‌هایمان. ما تحمل نداریم اربعین قدم نداریم در مسیر کربلا! آخر می‌گویند شما کاشف الکرب الحسینی آقا، دلم می‌خواهد بنشینم بین الحرمین: درست وسطش: آنجایی که به گنبدت نگاه کنم ولی اشاره کنم به حرم ارباب و بگم: "یا کاشف الکرب عن وجه الخشین اکشف کربی بحق اخیک الخشین علیه السلام"

ای عباس‌ترین حیدر کرار، مثل همیشه تکرار می‌کنم: هستی عالم حسین است و هستی حسین ابالفصله. ارباب بعد تو بلند بلند گریه کرد داغ جوان سخت است: اما داغ برادر زمین گیرش کرد. مظلوم‌ترین برادر دنیا! در عقل عالم نمی‌گنجد کسی در منصب سقای لب‌تشنه ماند. دو خط از شاعران فرض بگیرم که می‌گویند:

"باشو ای امید همه تو حرم هیشکی دیگه نفسیگه عنو تشنمه" اونجاسا که ارباب میگه: وعده ما به توک نیزه به هر شهر و دیار که به دنبالش سرت خواهان رهسپر است.

بچی ولات



آخ چون مسابقه

سلام بچیل، چه خت خور؟ امیدوارم خوبوین. راسی شمانم مثل ما ای ترم هم گیر گشتیر بی انتخاب واحد ببیدین؟! خور رسیده که باز زلزله لب ۸ ریشتری، شاهکار آفریدن خوا! عامو به انتخاب واحدی خو نباید ای همه دنگ و فنگ داشوو... فقط کافیه موقی انتخاب واحد مثل معلل شیک و پاکلاس به قول استاد علوی عزیز... برین به گروهی انتخاب کتین سی خوتون، چتو توش می‌گردینا؟! عامو ما بس گروهی انتخاب واحد کتینما نه که استاد گلچین کتینما! واخ!!! یادم رفت... از بس حرف هسی سی گفتن که آدم یادش میره. الغرض ایکه اومدیم که سیتون بگیم مسابقه داریم. به تَه پَه... چه چه چه... اونم چه مسابقه ای! آخ جون مسابقه. می‌پرسین باید چه کتین؟! الان سیتون میگم ن. باید برین بیانات اخیر حضرت آقا که دمورد آموزش و پرورش بوده رو در بیارین و بخونینش و تحلیلش کتین سی خوتون. بعد تحلیل و برداشتتون و ای راهکار و ایده‌ای به ذهننتون میرسه سی عملیاتی کردنش سیمون بفرسین. از بین بهترین تحلیل‌ل به قید قرعه، دو نفر برنده ی مسابقه ییمو. ایسو ای میخین برنده و اوین سی ای شماره ی کو پیام بفرسین تو واتس اپ: ۰۹۱۷۲۲۹۳۷۰. مو د حرفم توموه فقط پادمون بمونه که ما انسان سازیم... پس اول بس خومون بسازیم تا بعدش بچیل مردم رو بتونیم بسازیم.

دِ برین دَسِ خدا